

## پنج گفتار در اقتصاد کرونا

اله مراد سیف : دانشیار اقتصاد دانشگاه جامع امام حسین (ع)

### گفتار اول : اقتصاد سلامت

آنچه با همه گیری ویروس کرونا به عنوان یک آسیب خودنمایی کرد تاثیرات اقتصادی این پدیده هم در سطح جهانی و هم در اقتصاد داخلی بود . با زمان بر شدن مهار ویروس بحث هایی مطرح شده که نوعی تقابل را میان مساله اقتصاد و مساله سلامت پیش آورده و مسئولین مربوطه را بعضا به اظهار نظرهای متناقضی سوق داده است . در این یادداشت بر آن هستیم که یادآوری کنیم راه کار اساسی نه تقابل بلکه آشتی دادن میان مساله سلامت و مساله اقتصاد است و این چیزی جز اقتصاد سلامت نیست .

اقتصاد سلامت ناظر به حفظ سلامت عمومی به شیوه ای اقتصادی است که دو معیار کارآیی و عدالت را همزمان مورد توجه قرار می دهد . لزوم داشتن این نگاه از آنجا می باشد که اگر پدیده های اجتماعی منطبق اقتصادی خود را (چه از نظر کارآیی و چه از نظر عدالت) از دست دهند، با نوعی تعارض درونی مواجه شده و قابلیت تداوم و پایایی خود را از دست خواهند داد . اما منطبق اقتصادی در موضوع مورد بررسی ما به دو بحث مهم اشاره دارد که یکی حداقل سازی هزینه های اقتصادی این پدیده زیست محیطی (یعنی معیار کارآیی) و دیگری توزیع نسبتا عادلانه هزینه های آن میان اقشار و دهک های مختلف درآمدی (یعنی معیار عدالت) است . هر یک از این دو محور به عنوان معیاری مهم می تواند در ارزیابی طرح های بدیل در مهار این مخاطره زیست محیطی مورد بهره برداری قرار گیرند .

حداقل سازی هزینه های کلی مهار این مخاطره نیز خود به دو موضوع مهم مرتبط می باشد که یکی جلوگیری از انتشار بیشتر آن در حوزه جغرافیایی و دیگری کوتاه کردن دوره درگیری کشور با آن است. طرح های مهار ضربتی ممکن است در کوتاه کردن دوره مهار بسیار موثر باشند، لیکن هزینه اقتصادی زیادتری نیز در واحد زمان خواهند داشت. بر عکس طرح هایی که بخواهند با این مساله ملایم تر برخورد کنند، هزینه های اقتصادی کمتری در واحد زمان داشته لیکن از جهت به تعویق انداختن دوره مهار ممکن است هزینه کل مهار را افزایش دهند. لذا تصمیم گیری در این خصوص می باید با شناسایی دقیق همه عوامل و ارزیابی هزینه های مربوطه صورت گیرد.

توزیع عادلانه هزینه های مهار این همه گیری محور دیگر در موضوع اقتصاد سلامت است. آنچه تا هم اکنون دیده می شود و جای نگرانی است این است که هزینه های اقتصادی این مشکل عمومی را جامعه به صورتی یکنواخت نمی پردازد. این مسئله می تواند ادامه کنترل همه گیری را با مخاطره جدی مواجه ساخته و در ایجاد شرایط تاب آوری ملی در برابر این همه گیری اخلاص ایجاد کند. توضیح این مساله آن است که هر چه جلوتر می رویم نابرابری توزیع هزینه های این مخاطره زیست محیطی در اقتصاد ملی نمود بیشتری پیدا می کند. اقشاری مانند مزد بگیران بدون قرارداد کار که اتفاقاً بیشتر آنها از دهک های پایین در آمدی هم هستند در صف اول تحمل هزینه کرونا می باشند و در صف دوم مشاغل آزاد هستند که بازار شب عید خود را هم با حجم زیادی بدهی بابت اجناسی که آماده فروش کرده بودند از دست داده اند. همچنین، مشاغل مرتبط با گردشگری مانند آژانس های مسافرتی و هتل داران نیز در صف بعدی هستند. اگر مشکل تداوم پیدا کند پیمانکارانی که متاثر از ضعف بودجه های عمرانی سالهای قبل و نیز مطالبات پرداخت نشده دولت به آنها در وضعیت ناخوشی بودند، با خطر رفتن به کما مواجه خواهند شد، ظرفیتی که احیاء آن می تواند چندان ارزان تمام نشود. به هر حال، اقشار حقوق بگیر دولتی مشکل کمتری ممکن است داشته باشند. اگرچه دولت در صدد جبران برخی از این هزینه ها برآمده اما باید توجه داشت حجم این هزینه ها آن اندازه زیاد است (و با تداوم آن زیادتر هم ممکن است بشود) که کمک های دولت نمی تواند همه هزینه

ها را جبران کند و لاجرم بخش مهمی از این هزینه را باید مردم و فعالین اقتصادی خود متحمل شوند . در اینجا نقش طرح هایی که دولت برای مهار کرونا در پیش می گیرد در توزیع این هزینه بسیار پررنگ خواهد بود . برخی طرح ها ممکن است کاملاً با معیار عدالت ناسازگار باشند و بیشترین فشار را بر دهک هایی وارد کنند که ضعیف تر هستند و این از مواردی است که باید در کنار توجه به هزینه کلی طرح های مهار و ویروس ، نگران آن نیز بود .

نتیجه این که در موضوع مهار همه گیری کرونا می باید سنجیده عمل کنیم که هم حداقل ساختن هزینه های آن و هم توزیع نسبتاً عادلانه این هزینه میان اقشار جامعه در آن لحاظ شده باشد . اگرچه شاید برای این منظور فرصت طلایی را از دست داده باشیم، لیکن هنوز می توان اقداماتی کرد که آشتی میان سلامت و اقتصاد را نتیجه دهد و ما مجبور به انتخاب یکی از این دو نباشیم .

## **گفتار دوم : بحران کرونا، فرصتی برای نوآوری**

اله مراد سیف / قبلاً در یادداشتی با عنوان تاب آوری کرونایی یاد آور شده بودیم که باید بتوانیم با وجود این و ویروس به زندگی اقتصادی خود ادامه دهیم . در اینجا مطلب بالاتری را مد نظر داریم و آن این که چگونه باید بتوانیم از این تهدید جدی کسب و کار ، فرصت های جدیدی با نوآوری و خلاقیت ایجاد کنیم و برخی ناکارآمدی های خود را نیز برطرف کنیم .

روابط اقتصادی در همه دوران ها در شرایط خاص زمانی و مکانی و نیز فنی موجود آن دوران ها شکل می گرفته و به نوعی آدم ها تلاش می کرده اند که برای تداوم کسب و کار خود، سازگاری با شرایط مختلف را یاد گرفته و تجربه کنند . اگر به هر دلیل این سازگاری نمی توانسته است شکل بگیرد، آن کسب و کارها از میان می رفته و کسب و کارهای جدیدی جای آنها را می گرفته است . در اینجا نمی خواهیم مساله خاص و ویروس کرونا را که ممکن است چند ماه دیگر اثر چندان موثری از آن وجود نداشته باشد مبنای بحث خود قرار دهیم ، بلکه مساله را کلی تر نگاه می کنیم و آن این

که توسعه روابط بشری از طریق وسایل ارتباطی امروزه مرزهای جغرافیایی را بسیار کم رنگ کرده به طوری که انتشار یک ویروس در جایی از ربع مسکون این کره خاکی، همزمان تهدیدی برای همه ساکنان زمین خواهد بود. چه این ویروس و امثال آن را دست ساخته بدانیم و چه طبیعی باشند، در صورت مساله تفاوتی ایجاد نمی شود که بخشی از مخاطرات زیست محیطی ما هستند و خواهند بود. اگر تصور کنیم که با تعطیلی کسب و کارها می توان مساله را حل کرد، اشتباه بزرگی مرتکب شده ایم. این راه کار ممکن است به عنوان یک طرح اورژانسی تا یک ماه لازم، مورد توصیه باشد. لیکن، به دلیل این که منطقی اقتصاد آن ضعیف است قابل تداوم نبوده و راه کاری اساسی برای برخورد با امثال این مخاطرات زیست محیطی و بهداشتی نیستند. بسیاری از نظامات اجتماعی ما می تواند همزمان به گونه ای متحول شوند که هم کارآمدی بالاتری از منظر محصول داشته باشند و هم به کنترل این قبیل مخاطرات کمک کنند. در اینجا برخی نمونه ها را مرور می کنیم.

یک نمونه آن را می توان در تحول نظام آموزشی ملاحظه کرد. ایجاد آمادگی لازم برای آموزش از راه دور برای مقاطع مختلف تحصیلی ضمن این که در شرایط عادی نیز اثربخشی مناسبی از جهت یادگیری می تواند داشته باشد مانع افت تحصیلی در شرایط بحران خواهد شد.

نمونه دیگر موضوع دولت الکترونیک است که باید جدی تر گرفته شود. بسیاری از خدمات دولتی می تواند بدون کارمند و نیز بدون نیاز به حضور فیزیکی ارباب رجوع با هزینه بسیار پایین تر انجام شود. به دلیل عادت به روش های قدیمی به تعبیر دقیق داگلاس نورث اقتصاد دان نهادگرا به دلیل ویژگی «وابستگی به مسیر» که به مقاومت در مقابل تغییرات منجر می شود، آن گونه که می توانست متحول نشده است. تعریف امضای الکترونیک و قانونی کردن آن از جمله مورد مهمی است که می باید در حقوق تجارت ما پیش بینی شود. متاسفانه هنوز قانون تجارت ما از اسنادی بحث می کند که دوره تاریخی آن چندان سپری شده که اقتصاد دانان فعلی ما هم نه آن را دیده اند و نه ممکن است ببینند.

نکته دیگری که در مورد دولت وجود دارد این است که پیدایش هر مخاطره ای نباید با بزرگ تر شدن دولت جبران شود. دولت ها البته وظیفه مراقبت از سلامت شهروندان خود را بر عهده دارند اما در انجام این مهم نباید ظرفیت های مردمی و غیر دولتی دست کم گرفته شوند. به این ترتیب مساله سریع تر و با هزینه کمتری حل خواهد شد. در مقابل هر چه دولت بزرگتر شده و مسئولیت اجرایی بیشتری برای او تعریف شود ضمن این که موجب افزایش هزینه های عمومی خواهد شد، موجب خواهد شد تمایل و توان مردم برای ریسک پذیری و مراقبت از خود به میزان کمتر و کمتری نادیده گرفته شود.

نمونه دیگر بانکداری الکترونیک است. نظام بانکی هنوز در کشور ما متکی به شعب فیزیکی و حضور افراد در آن شعب است. آنچه این وضعیت ناکارآمد را پایداری بخشیده است تعداد زیادی کارمند بانک است که بالاخره باید کاری برای انجام دادن داشته باشند. در حالی که این چنین بانکداری هزینه های بسیار بالایی داشته و کارآمدی آن بسیار پایین است. بانکداری الکترونیک البته تنها در چگونگی ارتباط با مشتری خلاصه نمی شود بلکه می تواند در شیوه های جدید بانکداری و توسعه خدمات بانکی جدید نیز خود را نشان دهد. پایان مسیر تحولی بانکداری در آینده نه چندان دور، حذف کامل شعب بانکی و بهره گیری از نرم افزارهای پیشرفته به جای کارمندان بانکی خواهد بود.

اصطلاح تبدیل و باز تبدیل سابق بر این در مورد شرکت های صنعتی بخش دفاع بکار گرفته می شد. در جریان شیوع ویروس کرونا معلوم شد این ظرفیت در سطح وسیعی در اقتصاد وجود دارد. بسیاری از واحدهای تولیدی صنعتی خط تولید ماسک و یا محصولات ضد عفونی کننده مورد نیاز راه اندازی کردند. شرکت های دانش بنیان در تلاش برای رفع نیاز بخش بهداشت و درمان، کیت تشخیص ویروس کرونا ساختند. نیروهای مسلح در سطح وسیعی تجهیزات خود را برای ویروس زدایی اماکن عمومی بکار گرفتند و بیمارستان های صحرائی برای قرنطینه افراد بیمار بر پا کردند. تلاش های مردمی خودجوش زیادی از حضور در مراکز درمانی گرفته تا رفتن به مناطق مختلف،

برای کمک به مهار این بیماری به صحنه آمدند . هیچ یک از این تلاش ها هزینه ای برای دولت نداشته و حتی در مورد شرکت های خصوصی ظرفیت در آمدی جدیدی نیز در اقتصاد ایجاد کرده است . فعال شدن این ظرفیت ها خود از جمله نوآوری هایی است که حتی در کشورهای اروپایی و امریکا کمتر دیده می شود . ابعاد زیادی از این ظرفیت هنوز دست نخورده باقی مانده که می تواند با نوآوری در مورد مهار مخاطرات کرونا و یا هر مخاطره دیگری فعال شود .

نمونه ای از تحول اساسی که در کسب و کار با بهره گیری از ابزارهای فنآوری ارتباطات و اطلاعات می باید و می تواند رخ دهد را می شود در بازار بورس مشاهده کرد . در روزهایی که کرونا مردم را زمین گیر کرده بود بازار بورس فعال بود و حتی رشد خوبی را هم تجربه کرد . دلیل اساسی آن این بود که مردم در منزل به راحتی می توانستند سهام شرکت ها را خرید و فروش کنند . اگر توجه کنیم که بازتر سرمایه با همین زیرساخت فعلی می تواند بسیاری از نیازهای شرکت ها را به تامین مالی حل و فصل کند اهمیت آن بیشتر درک خواهد شد . استفاده ای که هم اکنون از این فنآوری در بازار سرمایه می شود در مقابل آنچه می تواند باشد بسیار ناچیز است . این نیز نیازمند نوآوری در توسعه و تعمیق بازار سرمایه است که قبلا در یادداشت های دیگری آن را متذکر شده ایم .

زمینه دیگری برای توجه در این شرایط ظرفیت های کسب و کارهای خانگی است که در کشور ما وجود دارند اما به ندرت آنها بازاری شده اند . تجاری شدن بسیاری از این موارد ممکن و بلکه لازم است . اشتغال به کارهای اقتصادی در آمد زا نباید به حضور فیزیکی در بازارهای خارج از منزل خلاصه شود . در ایران این موضوع به دلیل فرهنگ خاص ایرانی و وظایف مادری زنان که اغلب مانع خروج آنها از منزل می شود، ضرورت بیشتری دارد . جالب است که بدانیم ۵۰ سال پیش چنین فرهنگی وجود داشته و حتی در شکل تجاری ( و البته ساده آن) از ظرفیت مشاغل خانگی استفاده می شده است . مادر بزرگ های جوانان فعلی نیز این دوران را به خاطر دارند . آن زمان کارآفرینان محلی محصولات تولیدی زنان در منازل را به بازار انتقال می دادند و واسطه کارآمدی برای این منظور بودند . امروزه مجددا نیازمند فعال شدن این ظرفیت ها هستیم . به رسمیت شناختن این ظرفیت

ها قدم اول فعال سازی آنها است و البته میدان دادن به کارآفرینان محلی برای این منظور می تواند تحول آفرین باشد. هم اکنون در چین شرکت های بزرگ تجاری از این ظرفیت استفاده فراوانی در تولیدات مختلف (از جمله اسباب بازی ها) به عمل می آورند.

نتیجه این که در عصر حاضر در فضای کسب و کار مرز میان تهدیدات و فرصت ها فرو ریخته و زمینه برای نوآوری کارآفرینانه را فراهم ساخته و منطق موفقیت تجاری را دگرگون ساخته است. این تحول موجب شده است که شرکت های بزرگتر لزوماً موفق تر نباشند و خلاقیت های تجاری وزن و اهمیت بیشتری در تولید ثروت در سطح بنگاه و نیز در سطح ملی داشته باشد. در چنین شرایطی، نباید وقوع یک بحران را به مفهوم بن بست اقتصادی تلقی کرد. یافتن راههایی برای ایجاد سازگاری اقتصاد ملی با این شرایط محدود کننده الزاماً از طریق کارآفرینی های مبتنی بر نوآوری ممکن خواهد شد. در نقطه مقابل، اگر به این مهم توجه نشود هر بحران می تواند به میزان زیادی برای دولت ها هزینه ایجاد کرده و موجب افت فعالیت های اقتصادی در بخش های غیر دولتی شود.

### **گفتار سوم: نقش کسب و کار اینترنتی در رزمایش دفاع بیولوژیک**

اله مراد سیف / خطر شیوع بیشتر ویروس کرونا این روزها به مساله اصلی بسیاری از کشورهای جهان تبدیل شده و حجم وسیعی از کسب و کارها و فعالیت های اقتصادی را متاثر ساخته است. از آنجا که امکان طولانی شدن این بلیه جهانی وجود دارد، می باید برای تداوم فعالیت های اقتصادی در یک محیط کم خطر برنامه ریزی لازم صورت گیرد. در واقع با توضیحی که خواهد آمد به اعتقاد ما بخشی از رزمایش دفاع بیولوژیک که در فرمان مقام معظم رهبری به ستاد کل نیروهای مسلح آمده بود به همین مساله مربوط می شود. مساله این است که از یک طرف، خانوارها نیازهای روزانه خود را می باید تامین کنند و از طرف دیگر مراکز تولیدی، خدماتی و فروشگاهها نیز می باید فعالیت خود را ادامه دهند و هیچ یک از این موارد تعطیل بردار نیست. لیکن روش های معمول

برای تداوم این چرخه اقتصادی می تواند خطر شیوع گسترده ویروس ناشناخته کرونا را در پی داشته باشد که قابل صرف نظر کردن نیست، چرا که اگر شیوع گسترده این ویروس اتفاق بیفتد به جرات می توان گفت که از جنگ نظامی مرگبارتر و خسارت آن بیشتر خواهد بود.

از جمله تمهیداتی که برای این دوره گذار می تواند بسیار موثر باشد رواج دادن و تشویق به استفاده از خریدهای اینترنتی، بویژه در محیط های شهری و بخصوص در کلان شهرها و ممنوع کردن خرید های حضوری از فروشگاههای بزرگ و زنجیره ای است. چنین روشی هم اکنون در بسیاری از زمینه ها در حال اجرا بوده و با زمینه بسیار مساعدی در کشور برای توسعه روبرو می باشد و لذا به سرعت می تواند به صورتی فراگیر عملیاتی شود. آنچه در این نوع از کسب و کار به عنوان یک الزام می تواند وجود داشته باشد کسری موجود پیک های موتوری و خودرویی در شبکه توزیع است که این نیز به دلیل وجود انگیزه اقتصادی در آن از یک طرف و منابع انسانی جویای کار برای اشتغال به آن از طرف دیگر می تواند به صورت کاملا خود جوش و مردمی در قالب بنگاههای اسم و رسم دار و ثبت شده فراهم شود. آنچه مهم است و در این طرح لازم است توجه شود توسعه این روش به همه مراکز خدماتی بخش خصوصی است که الزامی به وجود مشتری در آن مراکز نیست. برای مراکزی مانند بانک ها نیز می باید با تمهیدات لازم زمینه برای قطع ارتباط حضوری کامل مشتری در بانک، از جانب بانک مرکزی و خود بانک ها فراهم شود. این اقدام می تواند به نوعی تحول در نظام بانکداری در جهت بانکداری نوین در هزاره سوم هم باشد. تحولی که در کشورهای پیشرفته صورت گرفته و حتی آنها را به سمت و سوی حذف پول غیر بانکی (یعنی اسکناس و مسکوک دست اشخاص) هدایت کرده است. متأسفانه در کشور ما بانک مرکزی به جای این که در جهت حذف نیاز به اسکناس که بیشترین خطر برای انتقال آلودگی را دارد چاره اندیشی کند، سقف برداشت از خودپردازها را افزایش داده است.

آنچه اهمیت پیشنهاد این یادداشت را بیشتر می کند این است که اقتصاد تعطیل بردار نیست و تعطیلی این ویروس نیز به احتمال زیاد چندان کوتاه مدت نخواهد بود و لذا هم در مورد این ویروس و هم



برای ایجاد آمادگی بیشتر در قالب رزمایش دفاع بیلوژیک برای مخاطراتی که در آینده به صورت های دیگری ممکن است از ناحیه دشمنان بر ما تحمیل شود، می باید یاد بگیریم که از تکنولوژی و بویژه از فنآوری اطلاعات و ارتباطات حداکثر استفاده مفید و اقتصادی را داشته باشیم. شرایط فعلی تهدیدی است که به این ترتیب می تواند به فرصتی برای پیشرفت در عرصه مدرن سازی اقتصاد ملی تبدیل شود.

### گفتار چهارم: یک الزام در تاب آوری کرونایی اقتصاد ملی

اله مراد سیف / اقتصاد ملی ممکن است در معرض انواع مخاطرات قرار گیرد. مجمع جهانی اقتصادی این مخاطرات را در فهرستی از ۵۰ مخاطره و در پنج دسته از مخاطرات (اقتصادی، زیست محیطی، ژئوپلیتیکی، اجتماعی و تکنولوژیک) سالانه رتبه بندی کرده و اعلام می کند. از جمله این مخاطرات که می تواند اقتصاد ملی کشورها را در معرض نوسان و اختلال قرار دهد مخاطرات زیست محیطی است که ممکن است از ناحیه عواملی مانند باکتری ها و ویروس ها، تغییرات اقلیم، آلودگی محیط زیست، بیابان زایی، سوء مدیریت شهری، پایداری هوا، گازهای گلخانه ای؛ انقراض زیستی، حوادث طبیعی و طوفان های ژئو مغناطیسی پدید آید.

انتشار ویروس کرونا بدون تردید از پدیده های بسیار خطرناک و مضر برای اجتماعات انسانی است و از همین طریق تاثیر غیر قابل انکار و در عین حال مهمی بر راکد شدن فعالیت های اقتصادی خواهد داشت. اما از آنجا که اقتصاد ملی مانند یک موجود زنده است، می باید بتواند برای ادامه حیات خود با این پدیده های مخرب نوعی سازگاری از خود نشان داده و به میزانی از تاب آوری دست پیدا کند. اگرچه توصیه های بهداشتی برای مهار و مقابله با این ویروس می تواند در یک مقطع کوتاه با راکد کردن بسیاری از فعالیت های اقتصادی همراه باشد، لیکن نباید فراموش کرد که این راکد شدن نمی تواند یک راه کار در ادامه این مقابله باشد. ادامه این وضعیت می تواند به ازدست

رفتن بسیاری از مشاغل و درآمدها منجر شده شرایط اقتصادی دشوار فعلی را برای برخی از اقشار غیر قابل تحمل نماید. لذا آنچه مهم است این که در هر یک از زمینه های درگیر می باید راه کارهایی برای هم زیستی و سازگاری میان فعالیت اقتصادی و شرایط بهداشتی یافته و از تداوم رکود فعالیت ها جلوگیری کرد. از جمله در این زمینه می باید برای هر یک از این فعالیت ها توسط مسئولین بهداشت و درمان در تعامل با اصناف مربوطه پروتکل های بهداشتی ویژه تدوین و ادامه فعالیت آنها منطوق به رعایت این پروتکل ها گردد. بدین ترتیب می توان با حداقل آثار رکودی و نیز آثار سوء انتشار بیماری، دوران مهار و مقابله با ویروس را طی کرد. در غیر این صورت مجبور خواهیم بود از میان دو اتفاق بد، شامل رکود کامل بسیاری از فعالیت ها به منظور مهار بیماری و یا انتشار گسترده ویروس بر اثر بی مبالاتی مشاغل آزاد، یکی را انتخاب کنیم که در هر صورت هزینه های آن بسیار گسترده خواهد بود.

### **گفتار پنجم: یارانه، اقتصاد ملی و کرونا**

اله مراد سیف / از جمله سیاست هایی که بهانه دخالت دولت ها در اقتصاد است، دادن یارانه به برخی گروههای درآمدی و یا برخی مصرف کنندگان و تولید کنندگان است. اگر چه هر یک از این موارد در جای خود می تواند توجه درستی داشته باشد، لیکن در یک تحلیل کلان، ضرورت اساسی دادن یارانه از ناکارآمدی نظام اقتصادی سرچشمه می گیرد. در این یادداشت به کالبد شکافی این مطلب با تاکید بر اقتصاد ایران می پردازیم.

از آنجا که برخی گروههای درآمدی یا برخی مصرف کنندگان و تولید کنندگان و نیز برخی کالاها در یک اقتصاد بازارگرا نمی توانند وضعیت پایدار خود را حفظ کنند، دولت ها در مواردی خاص با دادن یارانه تلاش می کنند این نقیصه را جبران کرده و از آنها حمایت کنند. اما هنگامی که دادن یارانه به سیاستی فراگیر در اقتصاد تبدیل می شود، به جای این که یک راه حل برای برخی مسایل

باشد، خود به بخشی از صورت مساله تبدیل شده و گرفتاری های عجیب و غریبی را در اقتصاد ایجاد می کند . تنها یک ایراد این وضعیت دخالت گسترده دولت در اقتصاد خواهد بود، زیرا دولت ها برای ایجاد توان پرداخت یارانه ای که می پردازند مجبور خواهند شد که با گرفتن مالیات بیشتر و یا از طریق استقراض منابع مالی لازم را تامین کنند . هر دوی این موارد به محدود کردن عرصه فعالیت عاملین اقتصادی منجر خواهند شد . از دیگر مسایل پرداخت یارانه ایجاد زمینه برای تداوم ناکارآمدی در اقتصاد ملی از طریق برهم زدن قیمت های نسبی به عنوان علامت دهندگان مهم تخصیص بهینه منابع در اقتصاد است . همچنین، افراد و تولیداتی که مورد حمایت قرار می گیرند انگیزه ای برای پر کردن فاصله خود با کارآیی تعیین شده توسط نظام قیمت ها نخواهند داشت . افزایش بار مالیاتی گروههایی از جامعه نیز از دیگر ایرادات پرداخت گسترده یارانه خواهد بود . همچنین افزایش مصرف کالاهایی که یارانه مصرف دریافت می دارند و استفاده غیر اقتصادی نهادهایی که تولید نهایی آنها یارانه دریافت می کند نیز از مسایل مهمی هستند که همگی در جهت کاهش کارآیی اقتصادی و در نهایت اتلاف منابع اقتصاد و کاهش رفاه کلی در اقتصاد ملی خواهد بود . بواقع ، میزان یارانه در اقتصاد اگرچه با معیار عدالت همخوانی داشته باشد در جهتی مخالف ، علامتی از ناکارآمدی و یا ضعف کارآیی اقتصادی است . یک نظام اقتصادی سالم باید بتواند برای خانوارها فرصت های شغلی و درآمد مناسب فراهم کرده، قدرت خرید آنها را برای تامین نیازهای اساسی خود ارتقا دهد که در این صورت نیازی به دادن یارانه به مصرف نخواهد بود . همچنین در یک اقتصاد کارآمد، تولیدکنندگان می باید بتوانند متناسب با قدرت خرید گروههای درآمدی مختلف ، کالاهایی با کیفیت و قیمت مناسب تهیه کرده و در بازاری رقابتی آن را عرضه کنند . در این صورت نیازی به دادن یارانه به تولید کنندگان نیز نخواهد بود .

اگر بپذیریم که وجود یارانه های گسترده خود علامت روشنی بر ناکارآمدی نظام اقتصادی است ، می باید جهت گیری اصلاحات ساختاری به سمتی باشد که اقتصاد را از دام یارانه های گسترده که خود موجب تقویت و تداوم ناکارآمدی اقتصادی می باشند خلاصی بخشد .

با توضیحاتی که داده شد نمی‌خواهیم توصیه به عدم پرداخت یارانه در وضعیت فعلی اقتصاد ایران را داشته باشیم. بلکه می‌خواهیم به روش‌های درست حل مسایل اقتصادی توجه دهیم که از جمله آنها تلاش برای افزایش بهره‌وری و کاهش دخالت دولت در اقتصاد است. هم‌اکنون به دلایل زیادی که نمی‌خواهیم بدان‌ها پردازیم اقتصاد ایران درگیر یارانه‌های آشکار و پنهان گسترده‌ای است که اتفاقاً در وضعیتی که در آن به سر می‌بریم گریزی از بسیاری از آنها هم نمی‌باشد. لیکن می‌خواهیم توجه دهیم که مسئولین و بویژه سیاست‌گزاران و قانون‌گزاران این شیوه تفکر را اصلاح کنند که با دادن یارانه می‌شود مسایل ناشی از ناکارآمدی نظام اقتصادی و نیز شکاف‌های درآمدی ایجاد شده را برطرف کرد. اگر نظام اقتصادی اصلاح نشود، ناکارآمدی به صورت‌های بسیار پرهزینه‌تری از آنچه که ابتدا یک «مساله» قلمداد می‌شده و یارانه برای برطرف ساختن آن داده شده است، تداوم خواهد یافت و در واقع درآمدها به توسعه و تعمیق ناکارآمدی در اقتصاد ملی و هدررفت منابع ناشی از آن خواهد انجامید. آنچه که گفته شد اختصاصی به اقتصاد ایران نداشت. اما اگر دقت کنیم در اقتصاد ایران با وضع به مراتب خطرناک‌تری از مساله پرداخت یارانه مواجه هستیم. برای مثال، در ایران بر خلاف همه‌جای دیگر جهان (جز چند کشور معدود) که از مصرف‌حامل‌های انرژی و سوخت‌های فسیلی (که منشأ آلودگی زیست‌محیطی هستند) عوارض و مالیات گرفته می‌شود، به آن یارانه می‌دهیم. از آنجا که پرداخت یارانه از جانب دولت همیشه ساده‌ترین راهکار برای پاک کردن صورت‌مساله (و نه لزوم حل آن) بوده است، یک نماینده مجلس پس از شیوع ویروس کرونا پیشنهاد داده است که فکری به حال و روز کارگران روزمزد و اقشار کم‌درآمد شود، چرا که ضعف اقتصادی و استرس به خاطر کرونا بر خانوارها مسلط شده و لذا پیشنهاد داده به مدت چند ماه به یارانه‌بگیران به میزان حداقل دو برابر در هر ماه یارانه پرداخت شود تا اوضاع قدری بهتر شود. اگر چه ممکن است در نگاه اول چنین به نظر برسد که این پیشنهاد با منطبق‌سازی از اقشار کم‌درآمد و ضربه‌پذیر بسیار انسانی و عادلانه است، لیکن اگر به منابع لازم برای آن فکر کنیم و مثلاً در شرایط دشوار فعلی دولت را برای این‌گونه پرداخت‌ها که پیش‌بینی نشده هم هست مجبور به استقراض کنیم، در سال بعد، همان مردمی که می‌خواستیم از آنها حمایت کنیم بهای گزاف این

حمایت را با نرخ تورم بالاتر خواهند پرداخت. نکته دوم در این پیشنهاد آن است که کاهش درآمد ناشی از تلاش اقتصادی اگر با پرداخت یارانه بدون هر گونه تلاش اقتصادی جایگزین شد، کار نکردن تشویق شده است. نکته سوم تشخیص گروههای هدف در این پیشنهاد است که با سابقه ای که مسئولین ما در شناسایی خانوارهای پردرآمد دارند، از قبل روشن است که جندان غیر دقیق خواهد بود که اصل هدف را زیر سوال خواهد برد. نکته دیگر ایجاد نارضایتی در گروههایی است که به هر دلیل مستحق بوده ولی شناسایی نشده اند و مسایل دیگری که همه به نوعی تداوم بخش ناکارآمدی در اقتصاد ملی خواهند بود. در مقابل همه کاری که دولت می تواند و باید انجام دهد آن است که تلاش خود را متمرکز بر مقابله موثر با ویروس کرونا و جلوگیری از شیوع آن کرده و به خانوارهای درگیر بیماری خدمات موثر درمانی ارائه دهد. البته می توان از نهادهای اجتماعی و مردمی برای توجه بیشتر به اقشار نیازمند نیز دعوت کرد که در این صورت غیر از این که هزینه آن به منابع عمومی تحمیل نخواهد شد و شناسایی گروههای هدف نیز از نزدیک توسط خود مردم دقیق تر صورت خواهد گرفت، احساس مسئولیت پذیری و مشارکت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.